

امامت و رهبری (۱۶) دلایل وجود امام زمان (عج)

محمدباقر شریعتی سبزواری

الهی ابلاغ شود و قیام کرده و دنیا را پر از عدل و داد نماید، پس از این که از جور و ستم لبریز شده باشد.

در این جا سؤالی مطرح شود که چه دلایل و قرائن قطعی و شواهد تاریخی بر اصل وجود، تولد و بقای امام دوازدهم وجود دارد؟ ممکن است او هم از شخصیت‌های اساطیری و افسانه‌ای و به قول بعضی‌ها هم چون رستم و اسفندیار باشد. در پاسخ می‌گوییم همان دلایلی که وجود شخصیت‌های حقیقی و مشهور دنیا را به اثبات می‌رساند، برای امام زمان نیز عیناً همان دلیل‌ها بلکه به یک معنا بیش‌تر از آن‌ها موجود است. به عبارت دیگر اگر از متفکران جامعه پرسیم چه دلیلی بر وجود بوعلی سینا، فارابی، ملاصدرا، خواجه نصیرالدین طوسی، انیشتین، پاستور، و ... دارند، خواهند گفت: آثار علمی و نوشته‌های مورخان شهیر و معتبر درباره زندگی و مشخصات آن‌ها، سند محکمی است بر وجود آنان، ما هم می‌گوییم از این نوع دلایل و قرائنی که اصل وجود فرزند امام عسکری (ع) را برای هر اندیشمند باانصافی به اثبات برساند، بسیار است که در این قسمت به چند مورد اشاره می‌کنیم:

یکم- شهادت مورخان و مستشرقان

مورخان بزرگ اهل سنت که از نظر تدوین تاریخ، شهرت جهانی دارند و از معتبرترین تاریخ‌نگاران دنیا محسوب می‌شوند، به اتفاق مطالبی درباره اصل وجود

مقدمه

از نظر کتاب و سنت و حتی رجال سیاسی و نظریه‌پردازان غربی و شرقی، دنیا در انتظار ظهور موعودی عادل، انقلابی و آگاه می‌باشد. پیشگویی‌های قیام چنین مصلح و منجی جهانی و دادگستر، در کتاب‌های دینی و احیاناً سیاسی و اجتماعی زیاد به چشم می‌خورد. می‌گویند در آینده انسانی کامل که عمری دراز و تجاری بی‌اندازه دارد، حکومت را به عهده می‌گیرد و به جهانی شدن حکومت حق و عدالت، جامه عمل می‌پوشاند. خوشبختانه این نوع تفکر تا حدودی زمینه‌ساز پذیرش قیام حضرت مهدی در افکار و اذهان دانشمندان شده و کلیات و مصداق آن با عقاید اسلامی کاملاً منطبق می‌باشد. نظریه‌پردازان غربی، شخص خاصی را برای اداره جهان تحت یک حکومت عدل جهانی معین نکرده‌اند، لیکن ویژگی‌هایی برای مصلح آینده ذکر می‌کنند که با خصوصیات حضرت مهدی بیش‌تر و بهتر تطبیق می‌کند. خوشبختانه هیچ یک از ادیان، به مهدویت به اصطلاح نوعیه معتقد نمی‌باشند. اغلب جوامع اسلامی و به گونه‌ی خاص، شیعه دوازده‌امامی با اسم و رسم و دلایل عقلی و تاریخی، بر این باور هستند که موعود جهانی و منجی جامعه بشری، شخص خاصی است و او فرزند امام حسن عسکری است که هم‌اکنون زنده و ناظر بر تمام بحران‌ها و تحولات جهانی می‌باشد و در انتظار روزی به سر می‌برد که فرمان

حضرت مهدی و سالروز ولادت ایشان با تمام ویژگی‌ها در کتب تاریخی خود نوشته‌اند. حتی حوادث شب ولادت تا هنگام غیبت آن حضرت را نیز به‌گونه دقیق بازگو نموده‌اند، فی‌المثل اکثریت مورخان مذکور و معروف اهل سنت به اتفاق آراء، میلاد حضرت مهدی را شب جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ هجری دانسته‌اند. در کتب حدیثی شیعه و مجامع روایی اهل سنت نیز در خصوص تاریخ ولادت حضرت مهدی مجموعاً ۲۱۴ حدیث ثبت شده است.^۱ ما برای اثبات مدعا نخست به چند تاریخ معتبر و معروف اهل سنت می‌پردازیم، سپس از مجامع حدیثی شاهد می‌آوریم:

(۱) شیخ عبدالوهاب شعرانی می‌نویسد: مهدی (عج) از اولاد امام حسن عسکری است (ع) که در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ متولد شده و او زنده است تا این که با عیسی بن مریم ملاقات کند و با او هم‌پیمان شود. عمر شریف او تا این زمان (سال ۹۵۸)، ۷۰۶ سال است.^۲

(۲) شیخ عبدالله شبرای از عالمان بزرگ اهل سنت می‌نویسد: یازدهمین نفر از ائمه اهل بیت، امام حسن عسکری است. وی در مدینه در هشتم ماه ربیع الاول^۳ به سال ۲۳۲ تولد یافت و روز جمعه هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ در سن ۲۸ سالگی درگذشت. او پدر امام مهدی منتظر است. مهدی در سامرا در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ متولد شد و پنج ساله بود که پدرش درگذشت... پدرش او را به هنگام ولادت، به دلیل مشکلات سیاسی و نگرانی‌هایی که از خلفای عباسی داشت پنهان می‌کرد، چراکه عباسیان معتقد بودند که به‌وسیله حضرت مهدی

سلطنت ظالمان منقرض خواهد شد و این مطلب را از احادیثی که از پیامبر رسیده بود، شنیده بودند.^۴ (۳) شمس الدین ابن خلکان در کتاب «وفیات الاعیان» در باب «ذکر محمد بن الحسن المهدی» می‌نویسد: محمد بن الحسن العسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد، دوازدهمین امام شیعه است. لقب معروف او حجت می‌باشد. او در روز جمعه نیمه شعبان ۲۵۵ متولد شد و هنگام وفات پدرش، عمر او پنج سال بیش نبود.^۵

(۴) ابن صباغ مالکی مصری (م ۸۵۵ هـ.ق) می‌نویسد: ابوالقاسم محمد بن الحجة بن الحسن الخالص، در سامرا در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ متولد شد.^۶

(۵) مؤمن بن حسن شبلنجی در کتابش فصلی را در باب (مناقب محمد بن الحسن) باز کرده و می‌نویسد: مادرش امولد بود و نرجس یا صیقل و یا سوسن نام داشت. کنیه‌اش ابوالقاسم است و امامیه لقب او را حجت، مهدی، خلف صالح، قائم، منتظر و صاحب الزمان معرفی کرده‌اند. مشهورترین لقب او مهدی است.^۷

این پنج مورد از باب مشت نمونه خروار ذکر شده است.^۸

اما دیدگاه مستشرقان و خاورشناسان درباره حضرت مهدی، در حقیقت برگرفته از مسلمات تاریخ شیعه و سنی است. متفکران غربی بر اثر مطالعات منابع معتبر اسلامی طبق سیره عقلایی عالم، به اصل وجود امام مهدی در تاریخ اسلام اعتراف کرده و هرکدام در سلسله مطالب اسلام‌شناسی به آن اشاره کرده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به دانشمندانی چون: هنری کربن،^۹ دارمستتر جیمز،^{۱۰} ادوارد براون،^{۱۱}

طیبی‌وی،^{۱۲} رابرت کرامر اس (خاورشناس انگلیسی)^{۱۳} و مالادانگ دبلیو^{۱۴} اشاره کرد.

دوم - تواتر احادیث مهدویت از نظر اهل سنت

دومین دلیل بر وجود و هویت حضرت مهدی(عج) روایات متواتری است که از محدثان بزرگ و مشهور شیعه و سنی درباره ولادت و یا ظهور ایشان رسیده است.

تواتر احادیث از نظر عقل و درایت، دلیل قاطعی است بر صحت و عینیت مضمون آن‌ها، چراکه در احادیث متواتر، تبانی جمع کثیری بر یک امر دروغ، عادتاً محال و غیرممکن است. مضاف بر این، ما درباره شخصیت‌های اسلامی و اصحاب رسول اکرم(ص)، غالباً روایات متواتر و یا اسناد تاریخی قابل توجهی نداریم، با این وجود به حضور آن‌ها در عصر پیامبر به کمک چند روایت تاریخی و یا حدیثی که از آنان نقل شده ایمان داریم، آیا با وجود احادیث متواتری که درباره حضرت مهدی رسیده و تاریخ‌های معتبری که مشخصات آن حضرت را ثبت نموده است، باز هم می‌توانیم در وجود آن حضرت تردید کنیم؟ اگر این‌گونه صحیح باشد، باید در وجود سایر شخصیت‌های تاریخی نیز تردید نماییم.

اخیراً کتابی به نام «الامام المهدی عند اهل السنة» نوشته شده که در آن کتاب، مؤلف محترم قسمت‌های مربوط به زندگی حضرت مهدی(عج) را از ۶۷ کتاب معتبر اهل سنت استنساخ کرده و در کتاب خویش آورده است. اولین کتاب آن «المصنف للصنعانی» و آخرین کتابش «الامة و اهل البيت، لمحمد بیومی المصری» (معاصر)^{۱۵} می‌باشد. آیا نقل این‌همه احادیث معتبر از اهل سنت و کتب معتبر

آن‌ها، دلیل قاطعی بر واقعیت و وجود حضرت مهدی نیست؟

شهادت محققان بر صحت تواتر

از جانب دیگر جمع کثیری از محققان اهل سنت به صحت و تواتر احادیث حضرت مهدی شهادت داده‌اند. مانند ترمذی در سنن، وی که از مؤلفان صحاح ششگانه است، در مورد سه حدیث از حضرت مهدی می‌گوید: «هذا حدیث حسن صحیح»^{۱۶}

ابن تیمیه که از پایه‌گذاران وهابیت است، در منهاج السنة النبویة چنین می‌نویسد: احادیثی که برای خروج مهدی به آن‌ها استناد می‌شود، صحیح هستند.^{۱۷}

ابن حجر هیتمی در رد حدیث «لا مهدی الّا عیسی» می‌نویسد: محدثان قبول دارند احادیثی که می‌گویند مهدی از فرزندان فاطمه است، سندشان قوی‌تر است.^{۱۸} شهادت به تواتر احادیث حضرت مهدی، تأکید مجددی است بر وجود و بقای مهدی موعود.

سوم - کتاب‌هایی که مستقلاً درباره مهدی نوشته‌اند

از جانب دیگر در میان محققان محترم و فرهیخته اهل سنت، عده‌ای در خصوص حضرت مهدی، کتاب‌های مستقلی نوشته‌اند که برخی از آن‌ها را می‌آوریم:

(۱) عباد بن یعقوب رواجنی (متوفای ۲۵۰ هـ. ق) اولین کسی است که به صورت مستقل، کتابی درباره امام مهدی به نام «اخبار المهدی»^{۱۹} به رشته تحریر درآورده است.

(۲) محمد بن یوسف گنجی شافعی (متوفای ۶۵۷ هـ. ق) کتابی به نام «البیان فی اخبار صاحب الزمان»

را در ۲۵ باب به صورت منظم و بدیعی نوشته است. در مقدمه می‌گوید: در این کتاب از ذکر احادیث شیعه اجتناب کرده‌ام، هرچند نقلش صحیح باشد. سپس می‌نویسد: هیچ امتناعی در بقای مهدی وجود ندارد، به دلیل این‌که عیسی، الیاس و خضر، که از اولیای خداوندند، زنده‌اند، دجال و ابلیس هم که دشمنان خدا هستند، زنده‌اند.^{۲۰}

۳) «العرف الوردی فی احوال المهدی» اثر ابوبکر جلال‌الدین سیوطی که به نام «الحاوی فی الفتاوی» نیز چاپ شده است. وی از مشاهیر حوزه حدیث است و مجموعاً دویست حدیث در این موضوع آورده است و در پایان به چهار نکته اشاره می‌کند:

۱) مهدی از خلفای دوازده‌گانه است. ۲) مهدی از فرزندان عباس نیست. ۳) سند حدیث «لا مهدی الا عیسی بن مریم» صحیح نیست و با احادیث متواتری که او را از فرزندان رسول خدا دانسته و عیسی پشت سرش نماز می‌خواند، متعارض است. ۴) ظهور مهدی از مغرب، دلیل ندارد.^{۲۱}

۴) ابی‌العباس احمد بن حجر الهیتمی المکی (م ۹۷۵ هـ. ق) «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» را در سه بخش نوشته است: در بخش اول: امام مهدی در روایات است که ۶۳ عنوان دارد؛ در بخش دوم: ۳۹ حدیث و در بخش سوم ۵۶ حدیث آورده که مهدی فرزند فاطمه است.^{۲۲}

البته در قرن اخیر، برخی از دانشمندان و محققان معاصر اهل سنت نیز کتاب‌های زیادی درباره امام مهدی تألیف کرده‌اند، که به پنج کتاب بسنده می‌کنیم:

۱- «المهدی حقیقة لا خرافة»، مؤلف: محمد بن احمد بن اسماعیل (معاصر).^{۲۳}

۲- «الهدایة الندیة للامة المهدیة فیما جاء فی فضل الذات المهدیة»، مؤلف: شیخ مصطفی بکری.
۳- «حول المهدی»، مؤلف: الشیخ ناصر الدین الالبانی.^{۲۴}

۴- «عقیده اهل السنة و الأثر فی المهدی المنتظر»، مؤلف: عبدالمحسن العباد (معاصر).^{۲۵}
۵- «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون»،

مؤلف: احمد بن محمد صدیق المغربي (م ۱۳۸۰ هـ. ق). وی در این کتاب شبهات ابن خلدون را درباره مهدویت پاسخ داده است.^{۲۶}

چهارم - نماز خواندن بر جنازه پدر

در کتاب‌های معتبر شیعه و سنی ثبت شده است^{۲۷} که وقتی «معمد عباسی» شنید امام حسن عسکری (ع) بیمار است، پنج تن از خدمت‌گذاران را زیر نظر تحریر (خادم) با چند پزشک و قاضی القضاة، نزد امام عسکری (ع) فرستاد و به پسرش گفت ده تن از اصحاب مطمئن خود را به منزل حضرت بفرستند تا شبانه‌روز در آنجا بمانند، اتاق‌ها را مهر و موم کردند، کنیزان حضرت را معاینه نمودند، یکی از کنیزان را در خانه‌ای دو سال محبوس کردند تا مانع تولد حضرت مهدی (عج) شوند.^{۲۸} نوشته‌اند وقتی امام حسن عسکری (ع) به شهادت رسید، سامرا به‌طور کلی تعطیل شد و شهر یک‌پارچه ضجّه و ناله گردید، تمام نظامیان به خیابان‌ها ریختند. در آن روز قیامتی برپا شد. خلیفه وقت به دنبال ابی‌عیسی (پسر متوکل) فرستاد تا نمازی رسمی بر جنازه امام عسکری (ع) بخواند تا به گمان خویش این افتخار از جامعه شیعه سلب شود و ضمناً مسئله نیابت و جانشینی هم عملاً منتفی گردد، از طرفی می‌دانستند

گروهی از ساده‌اندیشان، بدون دلیل راه انکار پیش کشیده‌اند و کتاب‌های دانشمندان اهل سنت و خاورشناسان و مقالات بی‌شماری که در مورد این موضوع نوشته شده را نادیده گرفته‌اند و اشکال تراشی‌های بنی‌اسرائیلی نموده‌اند. درحالی‌که این عقیده در میان امت اسلامی به قدری ریشه‌دار و راسخ بوده است که گروهی شهرت طلب و سودجو، از این بستر مناسب و زمینه‌های اعتقادی مساعد مردم، سوء استفاده کرده و ادعای مهدویت کرده‌اند و جمعی را پیرو خود ساخته‌اند. ولی با گذشت زمان و آگاهی مردم، آنان هم مانند مدعیان نبوت و الوهیت، سرانجام مفتضح گردیده‌اند، چراکه مهدی منتظر، از نظر منابع اسلامی دارای اسم و رسم و مشخصات روشن است. بنابراین هر مدعی مهدویت که فرزند امام عسکری (ع) و نرجس خاتون نباشد، دروغگو است.

با کمال تأسف، دکتر احمد امین در کتاب «المهدویة فی الاسلام»، برخلاف منطق، ادعای مهدویت بعضی از مدعیان دروغین و فرصت‌طلبان را دلیلی بر مخدوش بودن و عدم اصالت اعتقاد به مهدویت گرفته است، در صورتی که این نوع ادعاها و پذیرش برخی از ساده‌لوحان مسلمان، بیانگر اصالت و حقانیت اصل این باور مقدس است، چراکه اگر چنین عقیده‌ای برخاسته از احادیث نبوی و شواهد تاریخی نبود، قطعاً مردم در مقابل مدعیان دروغین خضوع نمی‌کردند، وانگهی فرصت‌طلبان همواره از زمینه‌های موجود و واقعیت‌های اجتماعی رایج و باورهای مردم، سوء استفاده می‌کنند. جای بسی تعجب است که با وجود این‌همه روایات در صحاح

بر جنازه امام، یک نماز معمولی و غیررسمی و خانوادگی هم خوانده خواهد شد، از این رو جعفر کذاب (برادر امام عسکری) را که از درباریان خلیفه و مرد عیاش و می‌گساری بود، به خانه امام عسکری (ع) فرستادند تا نماز غیررسمی و خانوادگی را بخواند. ۳۹ نفر از اصحاب حضرت در آنجا حاضر بودند. جعفر کذاب تا خواست بر پیکر امام حسن (ع) نماز بخواند، کودکی از پشت پرده بیرون آمد و فرمود: «عمو کنار برو، من باید بر جنازه پدرم نماز بخوانم.» او را کنار زد و بر جنازه پدر نماز خواند. انبوه نمازگزاران امام مهدی (عج) را در سن پنج سالگی مشاهده نمودند که چنین شکوهی از خود نشان داد و بلافاصله پشت پرده رفت.^{۳۹}

نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت

به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد

جاسوسان خلیفه که غافلگیر شده بودند، سردابی که محل زندگی و عبادت امام هادی، امام عسکری و حضرت مهدی (عج) بود و معمولاً ملاقات‌های امام حسن عسکری با فرزندش در آنجا برگزار می‌شد را محاصره کردند، ولی آن کودک را نیافتند.^{۳۰}

پنجم - وجود مدعیان مهدویت

اعتقاد به امام منتظر، حضرت مهدی موعود از عقاید بنیادین و مشهور مسلمان‌هاست و این موضوع از زمانی که پیامبر اکرم (ص) مؤده ولادت آن حضرت را داده و تأکید بسیار بر ظهور و آمدن ایشان نموده، تاکنون مورد توجه قاطبه مسلمان‌ها و جامعه تشیع قرار داشته و دارد، بلکه امروز این عقیده از مسلمات و ضروریات اسلام و مسلمین به حساب می‌آید. با این که صدها حدیث و روایت، اصل وجود آن حضرت را بازگو ساخته است با این حال، جمعی از دشمنان و

سته و سایر کتاب‌های معتبر شیعه و سنی، برخی از وهابی‌ها و هواداران آن‌ها، طبق انگیزه‌های سیاسی و تعصبات فرقه‌ای، در وجود حضرت مهدی (عج) به ایجاد شک و شبهه پرداخته‌اند و گفته‌اند، هنوز متولد نشده است تا به زعم خود، این عقیده ریشه‌دار را تضعیف نمایند. ولی خوشبختانه هیچ دلیل معتبری بر اثبات موضوع انکار خویش ندارند، جز این که رطب و یابسی به هم بافته‌اند و ذکر آن‌ها اتلاف وقت است، لیکن برای خالی نبودن عریضه، مهم‌ترین پندارها و بافته‌های آن‌ها را برای خوانندگان بازگو می‌سازیم:

گفته‌های منکران امام عصر (عج)

۱) برخی از آنان می‌گویند: شیعه بعد از وفات امام حسن عسکری (ع)، دچار سرگردانی و اضطراب شد و پس از وفات ایشان به چهارده گروه منشعب گردید، در صورتی که اگر جریان میلاد محمد بن الحسن روشن بود، شیعه گرفتار اضطراب و انشعاب نمی‌شد.

۲) بعضی از آنان گمان کرده‌اند هویت امام مهدی ساختگی و روایات مربوط به آن جعلی است و نسبت به تولد امام دوازدهم، شک دارند.

پاسخ ما:

این ادعا که می‌گویند: اصل هویت آن حضرت مشکوک است و به همین دلیل شیعیان گرفتار اضطراب شده‌اند، اگر درست باشد، می‌تواند دلیل روشنی ضد منکران امام زمان (عج) باشد، زیرا علت مشخص نشدن هویت امام برای عموم مردم آن زمان و تعمّدی که در پنهان داشتن این موضوع داشته‌اند، خود نشان بارزی بر وجود امام زمان (ع)

است، به‌علاوه ترس از دشمن باعث مخفی کردن بوده است، آن‌گونه که در تاریخ آمده معتمد عباسی، سپس المعتضد، جاسوسانی را به هر طرف می‌فرستادند و بیت امام عسکری (ع) را سخت زیر نظر قرار می‌دادند، به‌ویژه این‌که روایات فراوانی از رسول اکرم (ص) شنیده و یا خوانده بودند که فرزند امام عسکری (ع) جهان را پر از عدل و داد می‌کند و ستمگران را نابود می‌سازد. با وجود این همه توطئه‌چینی از ناحیه دشمن، چرا امام عسکری (ع) نباید در مورد حفاظت این ذخیره الهی، مخفی‌کاری کند؟ وانگهی اگر آن‌ها وجود امام دوازدهم را باور نداشتند و صرفاً به توهم گرفتار شده بودند، پس چرا بعد از رحلت امام عسکری (ع) به خانه آن حضرت هجوم آوردند و به جست‌وجوی وسیع برای یافتن حضرت مهدی (عج) پرداختند و سپس همه کنیزکان و بانوان امام را زندانی و یا تحت معاینه قرار دادند؟^{۳۱}

آری آنان مطابق گزارش جعفر کذاب و سایر جاسوس‌ها، از وجود امام مهدی (عج) آگاه شده بودند و برای یافتن او از هر تلاشی دریغ نمی‌داشتند. حتی چند سال سرداب مقدس را تحت مراقبت شدید مأموران خویش قرار داده بودند.^{۳۲}

اما این‌که گفته می‌شود روایات حضرت مهدی ضعیف و ساختگی است، این سخن در واقع خط بطلان کشیدن بر تمام روایاتی است که در مصادر صحیح اهل سنت و مسانید و جوامع حدیثی آن‌ها و همچنین منابع تاریخی و حدیثی شیعه در مورد امام مهدی ثبت شده است. اگر تنها در کتاب‌های شیعه این احادیث متواتر آمده بود، جای سؤال بود، اما در صحیح ابی داود و صحیح بخاری (که به اعتقاد تمام

مذاهب اهل سنت اعتبارش کم‌تر از قرآن نیست)، مسند احمد بن حنبل، جامع طبرانی^{۳۳} و ده‌ها کتاب و تواریخ معتبر دیگر از مهدی، فرزند فاطمه و علی(ع)، سخن گفته شده است. پس چگونه می‌شود چشم بسته آن‌ها را انکار نمود؟ آیا تمام این روایاتی که از رسول اکرم(ص) نقل شده، جعلی و ساختگی است؟ اگر چنین باشد باید بسیاری از مبانی شرعی و عقاید اسلامی را هم، جعلی و ساختگی قلمداد کرد.

بنابراین انکار چنین روایات متواتری، هیچ توجیه منطقی و عقلانی ندارد و به ناز و غمزه یا غرض‌ورزی و یا تعصبات فرقه‌ای شبیه‌تر است. باید گفت چون بدیدند حقیقت، ره افسانه زدند.

مرحوم شهرستانی در کتاب «ملل و نحل» می‌نویسد: «کسانی که معتقد به امامت امام حسن عسکری(ع) بودند، پس از مرگ وی، یازده گروه شدند که اسامی آن‌ها معروف نیست.»

جای بسی تأسف است که شهرستانی در این نسبت تنها به ادعا اکتفا کرده است. حتی نام این فرقه‌ها را نمی‌داند و رهبران آنان را نمی‌شناسد. باز می‌گوید: شیعیان یازده فرقه شدند. ما هم می‌توانیم بگوییم مسیحی‌ها صدها فرقه شدند و اهل سنت به هفتاد فرقه و مذهب منشعب گردیدند که تنها چهار فرقه از آن‌ها معروف هستند و فرق دیگر ناشناخته مانده‌اند، پس صرف ادعا کافی نیست، ارائه دلیل و مدرک معتبر لازم دارد وگرنه مجرد این ادعاها واقعیت ندارد.

علامه شرف‌الدین در کتاب «الفصول المهمة» حرف معقولی دارد، او می‌نویسد: «ای کاشی آقای شهرستانی سخنانی را از این فرقه‌ها نقل می‌کرد یا نام یکی از رهبران و یا کتابی را از آن‌ها می‌برد ...، شما را به خدا

سوگند تاکنون دیده‌اید گروه‌هایی با هم بجنگند، اما نام و نشانی از آن‌ها باقی نمانده باشد؟»^{۳۴}

یکی از محققان اهل سنت به نام «العمیدی» در جزء اول کتاب خود به نام «الدفاع عن الکافی»، ولادت و بقای وجود حضرت مهدی(عج) را از طریق روایات صحیح و نقل قول‌های متواتر تاریخی اثبات کرده و اعترافات فقیهان، محدثان، مفسران، مورخان و ادیبان اهل سنت و جماعت را درباره سال، ماه و شب میلاد حضرت مهدی آورده است. این نویسنده متعهد از قرن چهارم هجری شروع کرده و تا قرن چهاردهم را ذکر کرده است. از جمله: خوارزمی (م ۳۸۷ هـ.ق) در «مفاتیح العلوم»، محی‌الدین بن عربی در «الفتوحات المکیه»، جلال‌الدین سیوطی در «احیاء المیت»، زرکلی در «الأعلام» و ... که تمام آن‌ها ولادت و بقای آن حضرت را تصریح کرده‌اند. آیا این همه روایات برای اثبات وجود و میلاد یک شخص کافی نیست؟ جواب مثبت است، در هر صورت باید اعتراف کرد که مهدویت در اسلام یک نوع توهم و خیال یا مجرد آرزو نمی‌باشد که گروهی برای به بازی گرفتن احساسات امت اسلامی و یا برای تسکین دردها و آلام روحی ملت به گونه مقطعی ساخته باشند، (چنانچه بعضی از منکران چنین پنداشته‌اند)، بلکه حضرت مهدی یک انسان کامل، زنده و فعال می‌باشد که با مردم زندگی می‌کند و در رنج‌های آن‌ها شریک است و خود نیز همانند مردم منتظر روز موعود می‌باشد. وانگهی روایات فراوانی از حضرت رسول رسیده که مشخص می‌کند مهدی از اهل بیت و از فرزندان فاطمه و از نسل امام حسین(ع) است، (نه امام حسن) و نهمین فرزند حسین بن علی(ع) می‌باشد. این گونه روایات، اندیشه کلی مهدویت را

محدود ساخته و در شخص دوازدهمین (امام محمد مهدی)، منحصر می‌سازد. قرائن و شواهدی نیز بر صحت احادیث هست، مانند نقل بیش از ۲۷۰ تن از مشاهیر شیعه و سنی در کتاب‌های خود، از جمله: صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی و ابی داود، مسند احمد و المستدرک حاکم. البته شخص بخاری که این احادیث را نقل کرده، معاصر امام جواد و امام هادی و امام عسکری (ع) بوده است. بنابراین در این اتفاق، هدف بزرگی نهفته است و آن این‌که، نقل این همه احادیث متأثر از جریان خارجی شیعه دوازده امامی نبوده است، بلکه از کثرت احادیث نبوی سرچشمه گرفته است.

ششم- دلیل علمی و تجربی

مرحوم علامه شهید صدر که بر اثبات وجود و بقای امام زمان (عج) دلیل فوق را اقامه کرده است، در تشریح آن می‌نویسد:

«دلیل علمی همان تجربه عینی است، تجربه‌ای که مدت‌زمان هفتاد سال گروهی از مردم با حضرت مهدی زندگی کرده‌اند؛ یعنی عصر «غیبت صغری»». انصافاً تجربه عملی و معاشرت و ارتباط عینی با حضرت و نواب خاصش به مراتب از علم اصطلاحی بالاتر و قطعی‌تر است، چراکه این تجربه عملی از مرحله علم‌الیقین و عین‌الیقین گذشته و به مرتبه حق‌الیقین رسیده است، در طول هفتاد سال اشخاص زیادی با نام و نشان، با حضرت ملاقات کرده‌اند و پیام‌های آن حضرت را ثبت و ضبط نموده‌اند.^{۳۵}

بعضی می‌پرسند چرا در گام اول غیبت صغرا پیش آمد؟

جواب: اگر به‌جای غیبت کوتاه‌مدت، یکباره پس از ولادت، غیبت کبرا فرا می‌رسید، ضربه سنگینی به پایگاه اعتقادی مردم و طرفداران امامت وارد می‌شد، چراکه قبل از غیبت کبرا، مردم مدت هفتاد سال موفق شدند مکرراً با امام خود رابطه داشته باشند، او را مشاهده نمایند و در مشکلات به ایشان مراجعه کنند، اگر ناگهان غیبت کبرا فرا می‌رسید، شیعیان احساس می‌کردند که دیگر به رهبر فکری و معنوی دسترسی ندارند و اغلب آنان گرفتار یأس و تفرقه می‌شدند و گمان می‌کردند امامشان کشته شده است. در صورتی که در غیبت کوتاه‌مدت و موقت، دهها تن توانستند امام را در سنین کودکی، نوجوانی و جوانی مشاهده کنند که نام آن‌ها در تاریخ ثبت شده است.

ملاقات مکرر نواب چهارگانه

در غیبت صغری چهارتن از پاک‌ترین، باتقواترین و باهوش‌ترین مؤمنان، نیابت و جانشینی حضرت را بر عهده داشتند که نام، نشان، شخصیت و اولاد و احفاد آنان در تاریخ مشخص شده است:

الف- عثمان بن سعید عمری.

ب- محمد بن عثمان بن سعید عمری.

ج- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی.

د- ابوالحسن علی بن محمد سمیری یا سیمیری.

این چهارتن به ترتیب نیابت خاصه را بر عهده داشتند و با درگذشت هر کدام، به‌دستور حضرت مهدی، دیگری جانشین او می‌شد. شیعیان مشکلات، شبهات و پرسش‌های دینی را توسط آن‌ها می‌پرسیدند و جواب را گاهی شفاهی و بسیاری از اوقات کتبی دریافت می‌کردند. در پرتو این روابط

غیرمستقیم با نواب اربعه، اگرچه برخی از شیعیان از دیدن امام زمان محروم شده بودند، در عین حال اطمینان و آرامش داشتند، زیرا می‌دیدند تمام نامه‌ها و مکاتیبی که از حضرت به دستشان می‌رسد، دارای یک سبک و اسلوب است. هفتاد سال بدین منوال گذشت. «محمدعلی سمری» که آخرین نایب خاص بود، به‌وسیلهٔ توقیع مکتوبی که از حضرت دریافت کرد، از پایان غیبت صغری و آغاز غیبت کبری خبردار شد و به اطلاع دوستان رسانید، از آن به بعد، مسئولیت ابلاغ احکام دینی به نواب عام (مجتهدان عادل، باتقوا، زمان‌شناس، زاهد و آگاه به امور دین و دنیا) موکول گردید. بنابراین امام مهدی حقیقتی است خارجی که مدت هفتاد سال گروه‌هایی از مردم با سفیران و بعضاً شخص او زندگی کرده‌اند و بدون این که کوچک‌ترین اشتباهی از آنان رخ دهد، اعتماد مردم را به خود جلب کرده‌اند. بسیاری از افراد متعهد و معتمد در همان زمان با دعا و توسلات، با امام زمان ملاقات داشته‌اند. بی‌گمان امکان ندارد یک دروغ‌گذاپی، هفتاد سال دوام بیاورد و یا این چهارتن، یکی پس از دیگری بر این رابطهٔ دروغین تبانی کرده باشند و دیگران هم ملاقاتی نکرده باشند. پس نتیجه می‌گیریم که پدیدهٔ غیبت صغری یک تجربهٔ علمی و تاریخی است که بر واقعیت خارجی امام مهدی و غیبت او دلالت می‌کند.^{۳۶}

هفتم- تشرفات صالحان در غیبت کبرا

دلیل هفتم شهادت جمع کثیری از محدثان، عالمان و معتمدانی است که توفیق تشرّف مستقیم پیدا کرده و با آن حضرت ملاقات داشته‌اند و با تدبیر و اعجاز ایشان، مشکلات فردی و یا اجتماعی خود

را حل کرده‌اند که به‌عنوان نمونه به برخی از آن‌ها به گونهٔ مختصر اشاره می‌کنیم:

۱- در قرن هفتم حاکمی ناصبی از طرف انگلیسی‌ها بر بحرین منصوب شد. یک روز وزیر او اناری آورد که نام خلفا بر آن نقش بسته بود (بدین‌گونه که او قالبی ساخته بود و نام خلفای اربعه را بر آن حک نموده بود و هنگامی که انار در درون قالب رشد می‌کرد، اسامی خلفا روی آن منعکس می‌گردید)، وزیر مذکور انار را پیش حاکم ناصبی برد و مدعی شد که این کلمات به قدرت الهی در پوست انار حک شده است و طبق آن ابوبکر، عمر، عثمان و علی به ترتیب خلفای رسول الله هستند و پیشنهاد کرد یا از سوی شیعیان پاسخی آورده شود و یا جامعهٔ شیعه از بحرین اخراج شوند. این موضوع به رهبران امامیه گفته شد، آن‌ها متوسل به امام زمان (عج) شدند، در نهایت محمد بن عیسی صدایی شنید و مشکل انار از طریق حضرت حل شد (به این صورت که قالب را در منزل وزیر پیدا کردند) و همین امر باعث شد تا حاکم بحرین شیعه شود و آن وزیر ناصبی را به قتل برساند و از مردم بحرین عذرخواهی نماید.^{۳۷}

۳- ماجرای اسماعیل بن حسن هرقلی: از پسر او (شمس‌الدین) نقل شده که می‌گفت: در جوانی زخمی در ران چپ پدرم ایجاد شده بود. اطبای زمان از جراحی آن عاجز و خائف بودند، چون روی رگ اکحل قرار گرفته بود، گفتند، بغداد پزشکان حاذقی دارد، با اصرار سید بن طاووس به بغداد رفتیم، همگی همان نظر طبای حله را تکرار کردند تا

بالآخره تشریف حاصل گردید و به دست امام عصر، زخم برطرف شد.^{۳۸}

۵- دختر مرحوم آیه‌الله اراکی، سالی عازم حج بیت الله می‌شود، هنگام طواف ازدحام جمعیت را مشاهده می‌کند. متوسل به حضرت صاحب الزمان می‌شود، عرض می‌کند: آقا چه کنم که بدنم با نامحرم برخورد نکند، ناگهان می‌بیند دو سه نفر پیدا می‌شوند یکی از آن‌ها می‌گوید. آقا امام زمان می‌فرمایند پشت سر ما طواف کن. صبیۀ محترم مرحوم اراکی می‌گوید: گویا یک فضای خالی پیدا شد که بدون هیچ برخوردی با نامحرم توانستم طواف نمایم.

هشتم- زمین هرگز خالی از حجت نیست

از نظر عقاید اسلامی زمین هیچ‌گاه نمی‌تواند از حجت خالی باشد. در حدیث داریم: «لولا الحجة لساخت الارض باهلها»^{۳۹}، امام علی در نهج البلاغه می‌فرماید: «اللهم بلی لا تخلوا الارض من قائم لله بحجة اما ظاهراً مشهوراً و اما خائفاً مغموراً لئلا تبطل حجج الله و بیناته»^{۴۰} بار پروردگارا البته زمین از حجت خدا تهی نخواهد ماند چه او آشکار باشد و شناخته شده و چه (بنابر حکمت‌ها) نهان و مخفی باشد این چنین است که حجت‌ها و بینات الهی باید تداوم داشته و باطل نگردد.»

بر خردمندان جهان روشن است که لطف الهی پس از بعثت رسول در امام منحصر است تا مردم بی رهبر و مربی نمانند و کتاب و سنت شارح لایق و مطمئنی داشته باشند و فیض منقطع نشود. وجود امام عصر بدین جهت لطفی است از ناحیه ذات اقدس الهی که اگر نباشد، زمین آرام نمی‌گیرد و

فیوضات الهی از مردم سلب می‌شود. البته باید گفت فقدان و عدم حضور امام، از ناحیه ما مسلمان‌هاست، چون زمینه ظهور او را فراهم نساختم‌ایم. نه آمادگی پیدا کرده‌ایم و نه مردم دنیا را آماده ساخته‌ایم. وانگهی امام گرچه غایب است، ولی واسطه فیض الهی بر مردم است. عرفا از طریق دیگر وجود این ولی فاطمی را ثابت کرده‌اند. آنان امام زمان را «قطب عالم امکان» دانسته‌اند و از طریق «مکاشفه» و کشف و شهود وجود امام عصر را ثابت کرده‌اند. شیخ عطار می‌گوید:

صد هزاران اولیا روی زمین

از خدا خواهند مهدی را یقین

یا الهی مهدی‌ام از غیب آر

تا جهان عدل گردد آشکار^{۴۱}

شیخ محمود شبستری چنین سروده است:

به نور علم می‌کن دیده روشن

که تا بتوانیش هر لحظه دیدن

که گر در جهل خود، دایم نشینی

چو مهدی پیشت آید هم نبینی

ز علمش خلق عالم علم گیرند

ز دینش مشرکین هم دین پذیرند

هر آن سرّی که هست امروز پنهان

به علم خویشتن پیدا کند آن

به دورش، دولت حق رخ نماید

جهان را فیض وی فرخ نماید

که تا از جهل کلی دور گردند

ز شمس علم او پرنور گردند

نهم- ضرورت وجود امام زمان در اسلام

این دلیل برای مسلمانان مکتبی قابل تأمل است، چراکه احادیث زیادی از طریق شیعه و اهل سنت از پیغمبر اکرم، صحابه و ائمه اهل بیت با این مضمون رسیده است که: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة»^{۴۳} مطابق این حدیث، معرفت امام در هر زمانی بر امت واجب است. بدون تردید وجوب معرفت امام در هر عصر و زمان اولاً فرع بر وجود اوست و در ثانی معرفت به امام هر زمان، مقصود امام زنده و موجود است نه امام مرده و یا امامی که در آینده می‌خواهد متولد شود و از جانب دیگر حدیث ثقلین که شیعه و سنی در حد تواتر نقل کرده‌اند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»^{۴۴} دلیل روشنی است بر وجود و زنده بودن امام در هر زمان تا قیامت. اکنون وجود امام عصر به عنوان سنبل عترت است و باید زنده و موجود باشد.

* * *

● پی‌نوشت‌ها:

۸. اما آن‌چه در مصادر معتبر شیعه دوازده امامی رسیده است، بسیار فراوان است لیکن از ذکر آن صرف‌نظر می‌کنیم. پژوهشگران می‌توانند به کتاب منتخب الاثر تألیف آیه الله صافی گلپایگانی مراجعه کنند.
۹. یادى از هنرى کرین، ترجمه شهرام بازوکی و تاریخ فلسفه اسلامی، اسدالله مبشر.
۱۰. محسن جهانسوز، مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزده و حسن جوادى، نامه‌هایی از تبریز.
۱۱. یک سال در میان ایرانیان، ترجمه ذبیح الله منصوری.
۱۲. خاورشناس انگلیسی، ترجمه سیدخلیل خلیلیان.
۱۳. دایرة المعارف جهان نوین اسلام تحت عنوان مهدی، ترجمه بهروز جندقى.
۱۴. همان.
۱۵. المهدى الفقيه الايماني، الامام المهدى عند اهل السنة.
۱۶. ترمذی، سنن، ص ۲۱.
۱۷. ابن تیمیه، منهاج السنة النبویه، ج ۴، ص ۲۱۱ و ابن صدیق مغربی، المهدی المنتظر فی ضوء الآثار المحرقة، ج ۲، ص ۵۰.
۱۸. شهاب الدین احمد بن حجر الهیتمی الملکی، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، ج ۲، ص ۴۷۶.
۱۹. آیه الله سید ابوالقاسم خویی، معجم الرجال الحدیث، ج ۹، ص ۲۱۸ و رجال طوسی، ش ۴۵۱.
۲۰. گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۹۷.
۲۱. جلال الدین سیوطی، العرف الوردی فی احوال المهدی، ص ۲۱۶ و ۲۵۲.
۲۲. المهدی الفقيه الايماني، الامام المهدى عند اهل السنة، ص ۳۸۳ و ۳۸۴.
۲۳. همان، ص ۶۳۱.
۲۴. همان، ص ۵۹۵.
۲۵. همان، ص ۶۰۳.
۲۶. همان، ص ۵۷۷.
۲۷. عسکری، المهدی عند علماء السنة و الشیعه، ج ۱، ص ۱۸۲ و شیخ حر عاملی، اثبات الهدی، ج ۶، ص ۴۳۷.
۲۸. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۳۰.
۲۹. شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۶.
۳۰. سرداب غیبت از جمله سرداب‌های عمیقی است که زیر یک لایه سنگ حفر شده و در کل دارای سه قسمت عمده است: یک

۱. آیه الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، فهرست، ص ۲۶.
۲. شیخ عبدالوهاب شعرانی، الیواقیت و الجواهر، ج ۱، ص ۱۴۵ و ج ۲، ص ۵۶۲.
۳. ربیع الثانی صحیح است.
۴. شیخ عبدالله شبروای، الاتحاف بحب الاشراف، ص ۱۷۸.
۵. شمس الدین ابن خلکان، تاریخ ابن خلکان (وفیات الاعیان)، ج ۱، ص ۵۷۸، باب ذکر محمد بن الحسن المهدی، ص ۵۷۱ و سید رضی قادری، مهدویت در صحاح سته، ص ۲۷.
۶. احمد المالکی ابن الصباغ، فصول المهمة فی معرفة احوال الائمة، ص ۲۷۴.
۷. مؤمن بن حسن الشبلنجی الشافعی، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، ص ۱۶۸.

غرفه شش ضلعی، یک غرفه مستطیل کوچک و غرفه سوم به- شکل مستطیل بزرگ است. مقدس شمردن این سرداب از ناحیه شیعیان موجب شده که دشمنان، شیعیان را متهم کنند که امام عصر در این سرداب مخفی شده است. البته عوامل معتمد عباسی گمان کردند در سرداب مخفی شده، پس از شهادت امام عسکری حمله کردند و تا مدتی در آنجا مأمور گذاشتند. نشریه موعود، شماره ۳۷، ص ۵۱.

۳۱. الشیخ المفید محمد بن نعمان، الغیبة، باب ۱۲.

۳۲. همین امر باعث طعنه بعضی از مخالفان نسبت به شیعه شد. در صورتی که مأموران خلیفه که سنی مذهب بودند، سرداب را تحت نظر گرفته بودند.

۳۳. جلال الدین السیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۲۱۳ به بعد.

۳۴. شرف الدین السید عبدالحسین، الفصول المهمة فی تألیف الامة، ص ۱۶۹.

۳۵. بحث حول المهدي، ترجمه مصطفی شفیعی، ص ۱۰۰.

۳۶. رهبری برفراز قرون، ص ۴۶ و ۴۷.

۳۷. محدث نوری در نجم التاقب در باب هفتم، حکایت چهل و نهم، ص ۳۷۰ و مجلسی در بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۸ و ۱۸۰ آن را مفصل نقل کرده است. با توجه به این که محدث نوری اعلی الله مقامه به نقل مسائل بی پایه که احتمال دروغ در آن می رود، حساسیت فوق العاده دارد و کتاب لؤلؤ مرجان را در این راستا نوشته است نمی شود عقلا گفت که صد تشرف را که نقل کرده همگی خلاف باشند.

۳۸. محدث نوری، نجم التاقب، حکایت پنجم، ص ۲۶۶.

۳۹. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۸ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳.

۴۰. نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۴۹۷.

۴۱. الامام اثنی عشر، ص ۶۳ به نقل از قندوزی، ینابیع المودة، ص ۷۴۳.

۴۲. هیتمی، مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۱۸؛ ینابیع الموده، ج ۳، ص

۳۷۲؛ تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۳۹.

۴۳. ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۱۸۳ و مسند احمد حنبل، ج ۵، ص ۱۸۱.